

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محسن رضوانی و یادداشت پورتال

۱۶ اکتوبر ۲۰۲۲

مبارزه علیه امپریالیسم امریکا جدا از مبارزه علیه ارتجاع داخلی نیست

بزرگترین موفقیت ما در این سال های پر فراز و نشیب مبارزه، استواری در پیروی از آموزش لنین در باره امپریالیسم بوده است. ما درک درستی از مبارزه علیه امپریالیسم داشتیم و زمانی که رویونیست های حزب کمونیست شوروی قدرت را در حزب غصب کردند و راه سرمایه داری را در داخل اعمال کردند و در سیاست خارجی سیاست های تجاوز گرانه ای را در پیش گرفتند، مبارزه علیه هر دو ابر قدرت را با مبارزه علیه ارتجاع داخلی تواما به پیش بردیم. زندگی صحت این خط مشی حزب ما را ثابت کرده است امپریالیسم همچنان در جهان موجود است اما تغییرات فاحشی در مناسبات و توانائی های آنها رخ داده است.

اوضاع تغییر یافته چگونه است و مبارزه علیه امپریالیسم در کجای وظایف ما جا دارد؟

اوضاع تغییر یافته عینی جهانی در این چند دهه اخیر به ویژه پس از ارزیابی دولت پنهان امریکا در این که چین کشوریست کمونیستی و دشمن اصلی امپراتوری امریکا، بازتابی تکان دهنده در کلیه سطوح جهانی داشته است. امریکا مؤکداً یادآوری می کند و در عمل با اقداماتی سیاسی، اقتصادی و نظامی نشان می دهد که با تمام نیرو در برابر پیشروی چین خواهد ایستاد. جنگ در اوکراین و صف آرائی میان ناتو و روسیه در هشت ماه گذشته، باز هم بیشتر هدف امپریالیسم امریکا را در محاصره کامل، تضعیف با هدف تجزیه روسیه در خدمت ستراتیژی محاصره چین نشان می دهد.

دوران همچنان دوران انقلابات پرولتری و امپریالیسم است و تضاد های اساسی جهان همچنان باقی مانده اند اما تضاد عمده جهان که زمانی ما آن را با دو ابر قدرت مشخص می کردیم نیست بلکه یک ابر قدرت و آنهم امپریالیسم امریکاست. که توانائی یافته با قدرت اقتصادی و نظامی خود نقش ژاندارم جهانی را بازی کند و سیاست های جهانی خود را به دیگر کشور ها دیکته کند. در شناخت این پدیده شیوه های متفاوتی را به کار برده اند. از جمله است توانائی های اقتصادی، علمی و تمرکز سرمایه و قدرت نظامی. ما در اینجا ضمن به حساب آوردن کلیه این عوامل از شیوه شناخت تضاد های اساسی جهان کنونی و تعیین مناسبات میان ها استفاده می کنیم. با توجه به بحران ساختاری سرمایه داری جهانی و عدم توانائی صاحبان قدرت سیاسی جهانی سرمایه در مهار کردن آن با توجه به بحران ادامه دار که هر روز آهنگ توسعه اقتصادی نزول می کند ولی تمرکز سرمایه در دست مشتکی کوچک در جهان بیشتر می شود تضاد اصلی جهان را میان تهیدستان و ثروتمندان می دانند و این تضاد را نه تنها اصلی بلکه عمده ارزیابی می کنند.

اشکال این نوع ارزیابی ها در اینست که نقش طبقات و مبارزه طبقاتی را در این جدال تاریخی کمرنگ می کند و آتش حمله را روی دشمن عمده فعال در صحنه را پراکنده می کند. به نوعی ریشه در ایدئولوژی همه باهم خرده بورژوازی دارد و در ایران باز خرید آن داغ است. به نظر ما روش تحلیل تضاد های جهان کنونی زمینه را برای شناخت مشخص تر فراهم می کند و طبقه کارگر و کمونیست ها را در مبارزه جاری چه در سطح جهانی و چه در سطح کشور خود بهتر مسلح می کند.

هدف ما از این تحلیل دستیابی به دانشی است واقعی و مشخص که بتواند قدرت طبقه کارگر و توده های ستمدیده و استثمار شونده را بیفزاید و زمینه را برای انقلاب اجتماعی فراهم نماید. تضاد های کنونی جهان کدام اند؟ اول عامترین و عمومی ترین که مادر تضاد ها را بشناسیم. در صحنه واقعی جهان کنونی مجموعه ای از تضاد های اساسی اند که تضاد اصلی را شکل داده اند. تضادهائی در زمینه های مختلف که سرنوشت بشریت بستگی به چگونگی حل آنها دارد.

یک - تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی

دو- تضاد میان نظام سوسیالیستی و نظام سرمایه داری

سه - تضاد میان اجتماعی شدن تولید و خصوصی ماندن مالکیت بر وسایل تولید

چهار - تضاد بین کشورها، ملل ستمدیده و کارگران و زحمتکشان از یک سو و امپریالیسم ابرقدرت امریکا از سوی دیگر

با تغییرات عظیم جهانی در کلیه زمینه ها و آغاز دوران افول ابرقدرت بلامنازع جهان امپریالیسم امریکا که همچنان بر نقش ابر قدرتی خود اصرار دارد و نبود امپریالیستی دیگر قدرتی که ادعای جای گزینی داشته باشد ، شرایط نوینی را در سطح جهانی فراهم ساخته است. در دوران افول ابرقدرت بریتانیا امریکا آشکارا وارد میدان برای پرکردن جای بریتانیا به عنوان ابر قدرت جهانی شد و قرن بیستم را قرن امریکا خواند و برای سرکردگی کامل جهان نقشه تجزیه روسیه را در پیش گرفت. با سلطه سرمایه اری مافیائی امریکائی در اتحاد جماهیر شوروی و تجزیه کامل آن، اعلام پایان تاریخ سوسیالیسم و گسترش قدرت نظامی خود در سراسر جهان ، قرن بیست و یکم را هم قرن امریکا خواند. اما به درج ادامه چنین موقعیتی توسط اکثریت کشور های جهان زیر سوال برده شده است. مردم سراسر جهان با این همه نا برابری ها به ستوه آمده اند. تاریخ جنایات کشور های استعماری و امپریالیستی هرچه بیشتر بر ملا شده است ، توده ها، ملت های ستمدیده و بسیاری کشورهای تازه مستقل شده اما فقیر و درمانده نظام جهانی ابر قدرتی را امپریالیستی و باعث وضع اسفند خود می بینند. آنها نه تنها با ابر قدرتی بلامنازع یک کشور مخالفند. اساساً هرگونه قطب بندی نظامی و سیاسی و اقتصادی را ضد خود و ضد تاریخ می دانند. تجربه چند قطبی شدن جهان ، تجربه دوقطبی شدن و ابر قدرتی بلامنازع شدن هیچ کدام نه تنها صلیحی برای جهان به ارمغان نیاورده بلکه آن را به لبه پرتگاه و نابودی کشانده است. دنیا بر سر دوراهی رسیده است. باید انتخاب کند چگونه جهانی را می خواهد. حل کلیه تضاد های اساسی بالا گره خورده به حل تضاد بین کشورها، ملل ستمدیده و کارگران و زحمتکشان از یک سو و امپریالیسم ابرقدرت امریکا از سوی دیگر

اندولوگ های بورژوازی تلاش کرده اند کمونیسم علمی را یک آیت آسمانی، یک مکتب متافیزیکی و دیترمنیستی، جلوه دهند. کمونیسم علمی اصولش بر روند تکاملی مادیرگرائی طبیعی و اجتماعی استوار است ، سبز است و پویا و مادی گری دیالکتیک را در روند شناخت به کار می گیرد.. پراتیک را معیار سنجش درستی و نادرستی تئوری ها می داند. امروز که سرمایه داری، جهان را به لبه پرتگاه کشانده است و خطر جنگ هسته ئی آینده تیره و تاری را برای بشریت رقم می زند جنبش کارگری جهانی بر آنست که رقابت های امپریالیستها حتماً نباید به جنگ بکشد و کارگران

واحزاب کمونیست همراه توده ها می توانند از بروز آن جلو گیرند. رسالت تاریخی طبقه کارگر جهانی همراه با کل بشریت، مبارزه برای جهانی بدون ابرقدرت ها، بدون صف بندی های نظامی و قطب بندی های ناشی از رقابت های امپریالیستی است. طبقه کارگراز هدف انقلاب جهانی، از درد همگانی بشریت کنونی حرکت می کند و بنا بر موقعیت اجتماعی اش وفادار ترین طبقه به همبستگی جهانی و انترناسیونالیسم است. اما این مبارزه ایست سخت ؛ بغرنج و طولانی. مرتجعان هیچ گاه راضی نمی شوند که صحنه تاریخ را ترک کنند. از کشورها ، ملت ها گرفته تا خلقها و توده های استثمار شونده و ستمکش مخالف اوضاع کنونی جهانند است. امپریالیسم امریکا و متحدانش در برابر کلیه گرایش های استقلال طلبانه کشورها ،گرایش ستمدیدگان برای آزادی و استثمار شوندگان برای سوسیالیسم و کمونیسم ایستاده اند. این صف آرائی بطور برجسته ای در خاور میانه که ایران در آن قرار داد و سلطه بر آن نقش تعیین کننده ای برای ابرقدرتی دارد، نمایان است.از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ ایران این روند صعودی برای تبدیل شدن به آقای خاور میانه شروع می شود امپریالیسم امریکا با حمله به عراق،افغانستان،سوریه ،لبنان و لیبی و پشتیبانی از راست ترین نیروهای ارتجاعی منطقه هدف تسلط کامل به منابع نفت وگاز منطقه را همچنان دنبال می کند. ایران تنها کشوریست که هنوز در برابر امریکا در منطقه زانو نزده است . اما وجود اقتصاد اسلامی نئولیبرالیستی و طرفداران وسیع امریکا در میان جناح های بورژوازی ایران – داخل و خارج حاکمیت امریکا هنوز به تسخیر دژ از درون در ایران دل بسته است. از این منظر طبقه کارگر ایران ضمن مبارزه علیه نظام سرمایه داری داخلی باید مبارزه علیه امپریالیسم – ابرقدرت امریکارا فراموش نکند. امپریالیسم امریکا پشتیبان جهانی سرمایه داری جهانی است و ضد کمونیسم و هرگونه جنبش کارگری انقلابی با هدف های سوسیالیستی است. بورژوازی ایران در این صد ساله عمدتا همراه با استعمار و امپریالیستها به چپاول و غارت منابع ملی ایران پرداخته و چنانچه جناحی از آن تلاش کرده مستقل عمل کند با کودتا با همدستی بخش دیگری از همان طبقه سرنگون شده است.امروز بخشی از حاکمیت در برابر زیاده خواهی های امپریالیسم امریکا مقاومت می کند. این مقاومت با توجه به وجود چرخ پنجم طرفدار امریکا در حکومت،با توجه به فروماندگی نظام در حل مشکلات توده های وسیع مردم و با توجه به دیکتاتوری ضد کمونیستی و کارگری پا گلی است مگر اینکه تغییرات اساسی طی مبارزه بدست توانای کارگران و متحد آنها در جهت بالا بردن حل مشکلات عدیده جامعه تحقق یابد. و با گسترش تشکلات مردمی روحیه مقاومت مردمی علیه امپریالیسم تقویت شود.. ما همیشه تاکید کرده ایم راه انقلاب ایران سخت و بغرنج است . امروز ما با چنین بغرنجی ای در حل تضاد میان دو عمده بیردازد؟ دشمنان پرولتاریا روبرو هستیم. پرسش اینجاست طبقه کارگر ایران چگونه باید به حل مناسبات این دو عمده بیردازد؟ اینکه گفته اند پرولتاری هر کشور باید اول حسابش را با سرمایه داران کشور خودش حل کند از اینجا ناشی می شود که در زبان تضاد ها باید هر قلمروی را جدا از هم مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و بر اساس تضاد های اساسی همان قلمرو تضاد عمده را دریافت. در اینجا اهمیت و اصولی بودن اصل حرکت از شرایط مشخص هر کشور روشن می شود.قلمرو جهانی هم برای خودش تضاد های اساسی خود را دارد و از میان آنها هم با توجه به شرایط مشخص جهانی تضاد عمده خود را دارد . قاطی کردن این دو قلمرو باهم در گذشته ضرر های زیادی به جنبش کارگری جهان از جمله ایران زده است . حزب رنجبران هم از این انحراف لطمه خورده است.مسئله بر سر حل مناسبات این دو تضاد عمده است تضاد طبقه کارگر با سرمایه داران کشور خود و تضاد طبقه کارگر با امپریالیسم در سطح جهانی است.پرولتاریا باید برای براندازی بورژوازی حاکم خود بعنوان تضاد عمده عمل کند و در عین حال با آگاهی از تضاد عمده جهان با امپریالیسم، مبارزه با آن را بعنوان یک وظیفه انترناسیونالیستی مبارزه انقلابی داخلی خود را تکمیل کند. تا وقتی که امپریالیسم مستقیم وارد کشور نشده همیشه تضاد عمده با طبقه حاکم است و هیچگاه مبارزه علیه امپریالیسم پرولتاریا

نمی تواند با بوارژوازی چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون جناحی از بورژوازی همراه و همسو شود. سیاست انتخاب بد و بدتر تهی از صف کثی راستین طبقاتی است. اما اوضاع تغییر یافته جهان در صد سال گذشته ما را چون نیک بنگریم به یک واقعیت دیگری نزدیک تر کرده است و آنهم عظمت عظیم طبقه کارگر جهانی است. طبقه کارگر جهانی که خود بزرگترین و با ارزشترین عامل تولید است امروز تنها نیروی است که می تواند کل بشریت را با براندازی نظام سرمایه داری جهانی ، نجات دهد، آزادی برای مردم جهان به ارمغان آورد، ستمدیگان را رهایی بخشد و از نابودی کره زمین که ناشی از نظام سرمایه داری به لبه پرتگاه کشانده شده است را نجات دهد. از این منظر مبارزه طبقه کارگر یک کشور برای انقلاب سوسیالیستی در حقیقت موثرترین راه برای حل همان رسالت تاریخی در قلمرو جهانی است و به حل تضاد عمده جهان خدمت می کند.

– اول سپتامبر بیست دو

یادداشت:

هرچند بحث در مورد تحلیل و بررسی تضاد های اساسی عصر از دیدگاه کمونیستی، در حیطه وظایف پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" نمی دانیم، با آنهم باید بگوئیم که ما در پرنسب با تقسیم بندی تضاد های اساسی عصر که از جانب نویسنده صورت گرفته، موافق نیستیم. زیرا گذشته از این که در مقطع کنونی عصر ، طرح تضاد بین نظام سوسیالیستی و نظام سرمایه داری را تحلیلی کهنه که مربوط دهه ۵۰ الی ۸۰ قرن گذشته میلادی بود و امروز موضوعیت ندارد می دانیم، در تحلیل تضاد ها جایگاه، تضاد های درونی اردوگاه امپریالیستی که حدت آن در وجود درگیری بین روسیه و ناتو همین اکنون جهان را به طرف نابودی سوق می دهد، نیز فراموش شده است.

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"